

## میراث اسلامی در گذشته و حال<sup>۱</sup>

نگارش: ضیاءالدین سردار

ترجمه: علی اصغر شیری

هنگامی که مفاهیم بنیادی جهان‌بینی اسلامی در تمامی جزئیات و سطوح مختلف جامعه و تمدن متبلور می‌شود، از این فرایند، زیرساختی منسجم جهت انتقال دانش نمود می‌یابد. حداقل پنج مفهوم اسلامی نسبت مستقیم با توزیع اطلاعات دارد: عدل، علم، عبادت، خلافت، و وقف. بررسی تاریخ بدو اسلام چگونگی تشکیل چارچوب عملی این پنج مفهوم و نیز ایجاد زیرساختی پیشرفته جهت توزیع اطلاعات و دانش را آشکار می‌سازد.

از آغاز ظهور اسلام، مفهوم عام علم، طرز تفکر مسلمانان را شکل داد و برطبق این تعریف که: مسلمان کسی است که در تولید، بهره‌برداری، آماده‌سازی و اشاعه دانش و اطلاعات کاملاً ثابت‌قدم باشد، اسلام عملاً دانش‌طلبی را فریضه‌ای مذهبی قرار داد. علاوه بر

---

1. Ziauddin Sardar. "Going forward to the Islamic heritage: past and present", In *Information and the Muslim World* (London: Mansell, 1988), pp. 21-33.

این، مفهوم علم، مفهومی انحصاری و خاص طبقه‌ای نخبه نیست. علم، دانش انتقال‌پذیر است و منحصر به فرد، طبقه، گروه و یا جنس خاصی نیست. همچنین دانش طلبی تنها وظیفه معدودی افراد نیست، بلکه وظیفه تمامی جامعه است و محدود به حوزه یا رشته خاصی از تحقیق نیست، بلکه کلیه ابعاد آگاهی انسان و طیف کامل پدیده‌های طبیعی را شامل می‌شود. در حقیقت اسلام با این مضمون که اهمیت دانش طلبی به اندازه عدالت‌خواهی است، علم را مساوی عدل قرار داد. همچنان‌که عدل اساساً عدالت‌گستری همه‌جانبه است، علم نیز دانش انتقال‌پذیر است. و عملاً یکی وسیله نیل به دیگری است. نیل به هدف مطلوب جهان‌بینی اسلام یعنی تشکیل جامعه‌ای درستکار و دادگستر، بدون دانش‌گستری میسر نمی‌شود. تنها زمانی که دانش به صورت گسترده و به‌سهولت در دسترس تمامی بخش‌های جامعه قرار گیرد، پایه‌گذاری عدالت در قالب مظاهر اسلامی امکان‌پذیر است.

نخستین جوامع اسلامی به‌خوبی از این پیوستگی عدل و علم آگاه بودند. جهت شروع این راه، اشاعه قرآن کریم و احادیث پیامبر(ص) در میان پیروان را وجهه همت خود قرار دادند. تنها وقتی پیروان پیامبر(ص) به نسخه‌های قرآن کریم و مجموعه‌های معتبر حدیث دسترسی داشتند از آنها انتظار می‌رفت تا مطابق تعالیم ارائه‌شده رفتار کنند. اولین گام‌ها در این راستا توسط عثمان خلیفه سوم برداشته شد. او آگاه بود که ماهیت حفظ کامل قرآن کریم و نیز ضبط آن در قلوب و افکار پیروان پیامبر(ص)، در حقیقت مظهری از مفهوم جامع و فراگیر علم است و چون قرآن کریم به‌سادگی قابل حفظ کردن بود، مضامین آن نیز به همان آسانی قابل اشاعه و انتشار بود. با وجود این، عثمان حفظ قرآن کریم را به شکل مکتوب به

جهت تنوع لهجه‌ها ضروری دانست. بدین ترتیب گام‌های مهمی در راستای حفاظت از متن مکتوب قرآن کریم برداشته شد. گام بعدی توسط گردآورندگان احادیث برداشته شد که روش پیشرفته‌ای را برای معتبر کردن احادیث ابداع کردند و آنها را به‌طور گسترده برای تمامی بخش‌های جامعه قابل استفاده ساختند.

طی اولین قرن ظهور اسلام، متن‌های شفاهی تفوق یافت و وسیله اصلی اشاعه اطلاعات گردید. اما به‌زودی آشکار شد که حافظه انسان نمی‌تواند کاملاً مورد اعتماد قرار گیرد و یادداشت‌های مکتوب در میان جویندگان علم رایج شد. در این زمینه سعد بن جبیر (متوفی ۹۶ هجری / ۷۱۳ میلادی)<sup>۱</sup> می‌گوید: در کلاس درس ابن عباس من بر روی برگه‌ای می‌نوشتم و بعد بر روی دستم، و پدرم به من می‌گفت: «علم را به حافظهات بسپار، اما علاوه بر این به نوشتن نیز توجه خاص داشته باش، وقتی که از کلاس درس به خانه باز می‌گردی مطالب را بنویس و اگر تو را نیاز افتاد و یا حافظهات تو را یاری نکرد آنگاه نوشته‌هایت را داری».

ابن جبیر واقعاً بر روی چه چیزی یادداشت می‌کرد؟ اوراق او احتمالاً پایپروس، از ساقه گیاهی به همین نام و یا پارشمن بود که از پوست بز ساخته می‌شد. یادداشت‌هایی که بدان شکل جمع‌آوری می‌شد، به‌سهولت در میان دانشجویان و محققان رد و بدل می‌شد. در واقع، در اکثر مواقع اینچنین یادداشت‌هایی به هم می‌پیوست و کتاب‌ها را تشکیل می‌داد. شواهدی از ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، بلاذری، طبری و بخاری حاکی از آن است که عروه‌بن زبیر (متوفی

۱. تطبیق تاریخ‌های میلادی با تاریخ‌های هجری قمری از کتاب زیر صورت گرفته است: احمد بیرشک، گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷). - مترجم.

۵-۹۴ هجری/۱۳-۷۱۲ میلادی) نخستین کسی بود که به جمع‌آوری اینچنین دسته‌برگ‌هایی به شکل کتاب اقدام کرد. شاگرد او زهری (متوفی ۷۴۲ میلادی/۱۲۵ هجری) آنقدر از اینگونه کتب گرد آورده بود که خانه‌اش دیگر جایی برای سایر چیزها نداشت. شیفتگی او نسبت به جمع‌آوری و مطالعه کتب، بیشتر وقتش را می‌گرفت تا آنجا که همسرش از او شکوه می‌کرد: «وای خدای من! این کتاب‌های تو مرا بیش از سه زن دیگر (اگر می‌داشتی) آزار می‌دهد». خانم روت استلهوم مکنسن<sup>۱</sup> که در اوایل دههٔ چهل میلادی بررسی مهمی را در زمینهٔ ظهور کتابخانه‌های اسلامی انجام داده، مجموعهٔ زهری را به‌عنوان اولین کتابخانهٔ اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. او معتقد است با آنکه کتاب‌های اولیه فقط مجموعه‌ای از یادداشت‌های دانشجویان و رساله‌های کوچک به شکل نامه یا کتاب‌های شکیل‌تر بود- که فقط معدودی از آنها باقی مانده است- با جمع‌آوری آنها و شناخت اینچنین موادی دارای ارزش نگهداری هستند، منطقی می‌توان آنها را به‌عنوان نقطهٔ شروع تأسیس کتابخانه‌های اسلامی به‌شمار آورد.

ولی حتی در آن دوره هم کتاب به‌عنوان سند منسجم ضبط اندیشه‌ها رواج یافته بود. از اینرو از دانشمندان بنام درخواست می‌شد تا به تألیف کتاب بپردازند و به‌واسطهٔ تشویق شاگردانشان- که می‌خواستند یادداشت‌های کلاس به‌صورت منسجمی درآید- اقدام به این امر می‌کردند. از اماش ابومحمد سلیمان بن مهران (۶۱-۱۴۸ هجری/ ۶۸۰-۷۶۵ میلادی) محدث خودرأی و شوخ‌طبع معروف، مکرر درخواست تألیف کتاب می‌شد. همهٔ فرمان‌هایی که او دریافت

1. Ruth Stellhorn Mackenson

می‌کرد، توجهش را جلب نمی‌کرد. زمانی که خلیفه هشام بن عبدالله به او نوشت و از او خواست که کتابی درباره فضایل عثمان و قصور حضرت علی (ع) بنویسد، اماش نامه را خواند و سپس آن را در دهان گوسفندی فرو کرد تا آن را ببلعد و به پیک گفت: «به او بگو من نامه را اینگونه جواب می‌دهم». وقتی شاگردانش یک روز صبح زود به خانه او آمدند و اصرار کردند تا اماش مطالبی چند در باب حدیث بیاموزد، عاقبت بیرون آمد و پس از سلام به آنها گفت: «اگر کسی که من بیش از شما از او متنفرم (منظور همسرش بود) در خانه نبود، به بیرون خانه نزد شما نمی‌آمدم».

زمانی که اماش از دنیا رفت، کتاب وسیله‌ای رایج جهت اشاعه دانش و اطلاعات گردید و به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. این تحول عمدتاً به دلیل ظهور کاغذ بود. مسلمانان هنر کاغذسازی را از چینیان آموختند. در قرن اول هجری / نیمه دوم قرن هفتم میلادی که مسلمانان با چینیان تماس پیدا کردند - نتیجه صریح گفته حضرت محمد (ص) که «به دنبال دانش برو حتی اگر در چین باشد» - این بود که مسلمانان به سرعت نقش کاغذ را در اشاعه دانش دریافتند. سمرقند اولین شهر اسلامی بود که صنعت کاغذسازی در آن تأسیس شد. در سال ۸۵ هجری / ۷۰۴ میلادی این صنعت در اختیار مسلمین قرار گرفت. ثعالبی در کتاب «لطائف المعارف» خود و قزوینی در کتاب «آثار البلاد» اش می‌گویند که صنعت کاغذسازی سمرقند توسط اسیران جنگی چینی پایه‌گذاری شد. این صنعت به‌زودی از آنجا به استان‌های مرکزی و شهرهای بزرگ فرمانروایی اسلامی گسترش یافت. سمرقند در تأسیس صنعت کاغذسازی بغداد نقش به‌سزایی داشت. این صنعت از آنجا به دمشق، قاهره، فاس و قرطبه گسترش

پیدا کرد. در طول چند دهه، کاغذ جای پاپيروس و پارشمن را گرفت و به صورت رسانه‌ای مهم برای اشاعه اطلاعات مکتوب درآمد و عملاً این صنعت به قدری پیشرفت کرد که تا پایان سده هفتم میلادی کاغذ جای پارشمن را در اسناد دولتی گرفت.

در راستای صنعت کاغذسازی، صنایع دیگر که با تولید کتاب در ارتباط بود نیز به سرعت ترقی کرد. در این دوره تهیه جوهر در رنگ‌های مختلف و تکنولوژی ابزار تحریر و نقاشی و تزئین به میزان قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد. صحافی کتاب نیز به درجه قابل توجهی از تکامل رسید. در ابتدا جلدها پرداخته نمی‌شدند؛ کتاب‌ها با چرمی زبر آغشته به چسب، صحافی می‌شدند و جلد سفت و خشک می‌ماند، ولی کشفی که در کوفه صورت گرفت به روش مفیدتری در تزئین چرم انجامید. این روش با استفاده از پوست درخت خرما و چرم پرداخته شده نرم‌تر و لطیف‌تر صورت می‌گرفت. در همان زمان مهارت‌ها و فنون تزئین جلدها و تذهیب کتب نیز توسعه یافت. مجموعاً نتیجه این فعالیت‌ها کتابی می‌شد که نه تنها خیره‌کننده بود، بلکه یک اثر هنری واقعی به‌شمار می‌آمد. حتی بر روی حاشیه و عطف قدیمی‌ترین کتاب‌های عربی موجود، طرح‌های جالبی چاپ شده است که گرچه ساده هستند، اما ظرافت و زیبایی خاص خود را دارند. کتاب‌هایی که در دوره‌های بعد تدوین می‌شدند به مدد آمیزش رنگ‌ها، دارای تزئینات عالی و تذهیبات زیبا می‌گشتند.

از اینرو با گذشت بیش از یکصد سال از ظهور اسلام، صنعت کتاب به قدری پیشرفت کرد که مسلمانان به معنای واقعی کلمه کتاب‌دوست و اهل مطالعه شدند. البته نه فقط خواندن کتاب مقدس (قرآن کریم)، بلکه مطالعه یکی از مشغولیات مهم و سرگرمی‌های آنها

شد. از اینرو پیوستگی بین مطالعه و قرآن حائز اهمیت است که قرآن کریم تأکید دارد اندیشه دانش‌طلبی نوعی عبادت است و در حقیقت علم و عبادت دو روی یک سکه هستند.

در طول دو سده بعد، صنعت کتاب به گونه‌ای بس شگفت‌انگیز به هر گوشه از جهان اسلام گسترش یافت. کتابخانه‌های سلطنتی، عمومی، تخصصی، شخصی؛ کتابفروشی‌های کوچک، بزرگ در مجاورت مساجد، در مرکز شهرها، به صورت مجتمع در بخش‌های ویژه بازار و کتابدوستان اعم از مؤلفان، مترجمان، نسخاخوان، مذهبان، کتابداران، کتابفروشان، گردآورندگان کتب همه و همه جنبه‌های تمدن اسلامی بودند که سیر تحول کتاب را موجب شدند.

این‌همه در سال ۶۷۳ هجری/۱۲۷۳ میلادی در کتابش تحت عنوان «کتاب‌ها: ابزار محققان» می‌نویسد: کتاب‌ها در تمامی تحقیقات سودمند علمی مورد نیازند. بنابراین دانشجو باید به هر نحو ممکن به فراهم‌آوری و نگهداری آنها همت گمارد. او باید به خرید، اجاره و امانت گرفتن آنها همت ورزد، چراکه روش به‌دست‌آوردن کتاب‌ها اینگونه است. لکن فراهم‌آوری، گردآوری و مالکیت کتاب‌ها به تعداد زیاد نباید تنها خواسته دانشجو در تحصیل باشد... کتاب‌هایی را که می‌توانید بخرید با رونویسی آنها خود را زحمت ندهید. صرف وقت برای مطالعه کتاب‌ها به مراتب مهم‌تر از رونویسی آنهاست. به امانت گرفتن کتاب‌هایی که می‌توانید بخرید یا اجاره کنید راضی نباشید... اگر اشکالی برای امانت‌گیرنده یا امانت‌دهنده وجود نداشته باشد، امانت کتاب به دیگران توصیه می‌شود. بعضی از افراد از امانت گرفتن پرهیز می‌کنند، ولی نگرش دیگری که صحیح و مرجح است بیانگر آن است که از آنجا که امانت چیزی به دیگری فی‌نفسه

عملی شایسته و قابل تقدیر است، در مورد کتاب‌ها علاوه بر این اهمیت، به پیشبرد دانش نیز کمک می‌کند.

امانت کتاب در سراسر جهان اسلام متداول شد و تقریباً در هر شهر بزرگی کتابخانه‌ای ساخته می‌شد. به‌عنوان نمونه‌های اولیه می‌توان از کتابخانه‌های باشکوه خلفا نام برد. تقریباً هر سلسله‌ای - از خلفای بنی‌امیه و عباسی گرفته تا امویان اسپانیا، فاطمیان مصر، حمدانیان حلب، آل‌بویه در فارس، سامانیان در بخارا، حکام غزنوی و مغولان هند - در مرکز حکومت خود کتابخانه‌های بزرگی تأسیس کردند.

#### اداره کتابخانه‌ها

طبق نظر جرج مقدسی<sup>۱</sup> شش واژه جهت توصیف کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت که سه واژه بیت، خزانه، دار دلالت بر مکان داشت و سه واژه حکمت، علم، کتب گویای محتوا بود. از ترکیب این کلمات و مفاهیم هفت واژه برای کتابخانه به دست می‌آید: بیت‌الحکمه، خزانه‌الحکمه، دارالحکمه، دارالعلم، دارالکتب، خزانه‌الکتب و بیت‌الکتب. دو واژه بیت‌العلم و خزانه‌العلم را نیز می‌توان به این واژه‌ها افزود. تمام ترکیبات ممکن از این واژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و اغلب این واژه‌ها قابل جابجایی و تبدیل به یکدیگر بودند.

بی‌شک بیت‌الحکمه مشهورترین کتابخانه اسلامی بود و مشتمل بر مؤسسه‌ای تحقیقاتی، کتابخانه و بخش ترجمه می‌شد که در سال ۲۱۳ هجری / ۸۳۰ میلادی توسط هارون‌الرشید، خلیفه عباسی، در بغداد تأسیس شد. از بسیاری کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های

1. George Makdisi



غیرعربی مانند یونانی و سانسکریت که زینت بخش این کتابخانه بودند در کتاب «الفهرست» ابن ندیم و کتاب «کشف الظنون» حاجی خلیفه یاد شده است. در منابع آمده است که مأمون الرشید پسر هارون محققانی چون کندی - اولین فیلسوف مسلمان - را استخدام می کرده تا آثار ارسطو را به عربی ترجمه نمایند. کندی خود قریب ۳۰۰ کتاب از موضوعات پزشکی گرفته تا فلسفه و موسیقی تألیف کرده بود که در بیت الحکمه نگهداری می شد. مأمون سخاوتمندانه مترجمان را پاداش می داد. به عنوان تشویق، کتب ترجمه شده آنها را مهر و امضاء می کرد. او همچنین بسیاری از مأمورانش را به نقاط دوردست چون هند، سوریه، و مصر می فرستاد تا کتاب های کمیاب و بی نظیر را جمع آوری کنند. حنین بن اسحاق، پزشک معروف، در جستجوی کتاب «البرهان» تا فلسطین سفر کرد. کارکنان بیت الحکمه از محققان مشهور مسلمان و غیرمسلمان بودند. افرادی چون: قسطا بن لوقا، یحیی بن عدی و دوبان پزشک هندی. موسی خوارزمی ریاضیدان برجسته مسلمان و بنیانگذار جبر، نیز در بیت الحکمه کار می کرد و اثر مشهور خود کتاب «الجبر و المقابله» را در آنجا تألیف کرد. حیات بیت الحکمه به عنوان کتابخانه جهان اسلام تا قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی ادامه یافت. تأسیس دومین کتابخانه که از نظر کیفیت مجموعه با بیت الحکمه برابری می کرد، بیت الحکمه را تحت الشعاع خود قرار داد.

این کتابخانه در سال ۴۵۸ هجری / ۱۰۶۵ میلادی توسط نظام الملک، وزیر اعظم دربار ملک شاه سلجوقی، در مدرسه نظامیه تأسیس شد. مجموعه کتابخانه نظامیه عمدتاً از طریق اهداء گردآوری

شده بود. برای نمونه ابن‌اثیر مورخ می‌گوید که محب‌الدین ابن‌النجار بغدادی دو مجموعه شخصی بزرگ خود را وقف این کتابخانه کرد. همین‌طور خلیفه نصیر هزاران کتاب از مجموعه سلطنتی خود را به این کتابخانه اهدا کرد. در میان مشهورترین بازدیدکنندگان این کتابخانه می‌توان نظام‌الملک طوسی (متوفی ۴۸۵ هجری / ۱۰۹۲ میلادی) را که کتابش در زمینه حقوق بین‌الملل تحت عنوان «سیرالملوک» همچنان به‌عنوان یک اثر کلاسیک باقی است، نام برد. طوسی در طی مسافرت‌هایش به بغداد مدت زیادی را در نظامیه به سر می‌برد. نظامیه کتابداران رسمی استخدام می‌کرد و به آنها حقوق قابل توجهی می‌پرداخت. از کتابداران مشهور نظامیه می‌توان از ابوزکریای تبریزی و یعقوب بن سلیمان عسکری نام برد. در سال ۵۱۰ هجری / ۱۱۱۶ میلادی کتابخانه نظامیه پس از آتش‌سوزی بزرگی سالم ماند و به دستور خلیفه الناصر بنای جدیدی برای آن ساخته شد.

علاوه بر این کتابخانه، خلیفه المستنصر بالله کتابخانه‌ای استثنائی در مدرسه باشکوهی که خود او در سال ۶۲۵ هجری / ۱۲۲۷ میلادی بنا نهاده بود، تأسیس کرد. خرابه‌های مدرسه مستنصریه که بیمارستانی در جنب آن وجود داشت، هنوز بر سواحل دجله باقی است. کتابخانه به مدرسه و بیمارستان خدمات ارائه می‌کرد. ابن‌بطوطه، سیاح معروف، توصیف روشنی از مستنصریه و کتابخانه آن ارائه داده است. تنها حدود ۱۵۰ بار شتر کتاب‌های کمیاب از موجودی‌های سلطنتی به این کتابخانه اهدا شد. بدین ترتیب کتابخانه مستنصریه مجموعه‌ای ۸۰,۰۰۰ جلدی فراهم آورد.

اما بغداد تنها جایی نبود که کتابخانه‌هایی به این عظمت داشت. تقریباً تمام شهرهای بزرگ در جهان اسلام کتابخانه‌های با ارزشی

داشتند که آنها را بیت‌الحکمه یا دارالعلم می‌نامیدند. برای نمونه می‌توان از خزائن‌القصو، کتابخانه‌باشکوهی در قاهره که توسط عزیز بن المعز، خلیفه فاطمی، تأسیس شد نام برد. بیش از ۱/۶ میلیون جلد در داخل حدود چهل اتاق نگهداری می‌شد و دارای نظام فهرست‌نویسی پیشرفته‌ای بود. در قاهره نیز بیت‌الحکمه‌ای وجود داشت که توسط الحکیم، ششمین خلیفه فاطمی، در سال ۳۹۶ هجری / ۱۰۰۵ میلادی تأسیس شد. این کتابخانه دارای مجموعه‌ای عظیم بود که مجموعه شخصی خلیفه را نیز شامل می‌شد و به روی عموم باز بود. همچنین لوازم‌التحریر رایگان برای همه موجود بود و برای کسانی که در آنجا به مطالعه می‌پرداختند محل سکونت، غذا، و نیز موابی در نظر گرفته می‌شد. اما خلفا تنها بنیانگذاران کتابخانه‌ها نبودند. حکام محلی نیز به تأسیس کتابخانه‌ها همت می‌گماشتند. برای نمونه می‌توان از کتابخانه نوح بن منصور، امیر بخارا، که توسط ابن‌سینا، فیلسوف و پزشک بزرگ، توصیف شده، یاد کرد:

با تقاضا و کسب اجازه از نوح بن منصور به بازدید کتابخانه رفتم. اتاق‌های متعددی را یافتم که مملو از صندوقچه‌های پر از کتاب بود. یک اتاق شامل آثار شعری و زبان‌شناسی، اتاق دیگر حقوق و فقه و الی آخر. کتاب‌های هر رشته خاصی از علوم در اتاقی مجزا نگهداری می‌شد. سپس فهرست مؤلفان قدیمی را مرور کردم و تمامی آنچه نیاز داشتم در آنجا یافتم. کتاب‌های متعددی را دیدم که حتی عنوان آنها برای اکثر افراد ناشناخته بود و همچنین کتاب‌های دیگری که هرگز تا آن زمان و حتی بعد از آن ندیدم.

وقتی نوح بن منصور وزارت سمرقند را به صاحب بن عباد دانشمند پیشنهاد کرد، او از قبول وزارت خودداری کرد و گفت برای حمل کتاب‌هایش به سمرقند به ۴۰۰ شتر نیاز دارد. سلطان که متوجه

مشکل شد عذر او را پذیرفت. اکثر حاکمان منطقه‌ای آن دوره، همچون نوح بن منصور کتابدوستانی بزرگ بودند. برای نمونه می‌توان از کتابخانه عضدالدوله که کارکنان فراوانی داشت، نام برد. این کتابخانه، مقدسی، جغرافیدان معروف، را تحت تأثیر قرار داد و او نیز توصیفی جامع از آن کتابخانه به جای گذاشته است. حیات این کتابخانه تا زمان الحریری (متوفی ۵۱۶ هجری/۱۱۲۲ میلادی) دوام یافت.

از آنجا که کتابخانه‌های مراکز حکومتی به‌عنوان امانت‌های الهی مورد توجه بودند، به‌طور کامل در دسترس عموم قرار داشتند و حقیقتاً کتابخانه‌های عمومی بودند. این کتابخانه‌ها به روی مردم طبقات مختلف با علائق متفاوت باز بود و مردم اجازه مطالعه داشتند و آزادانه می‌توانستند از آثار خطی مورد علاقه خود نسخه بردارند. به‌علاوه این کتابخانه‌ها فقط مخزن کتاب نبودند، بلکه کتابخانه‌هایی کاملاً فعال بودند و علاوه بر اینکه کانون‌هایی جهت برنامه‌های تحقیقاتی متمرکز به‌شمار می‌آمدند، مراکزی برای بحث، سخنرانی، مناظره و دیگر فعالیت‌های فکری عمومی بودند. بسیاری از این آثار خطی در کتاب معروف کتابدوست قرن دهم، ابن‌ندیم، که از بیت‌الحکمه نسخه‌برداری شده، گرد آمده است؛ کتابی که بسیاری از شرق‌شناسان را متحیر کرده و معتقدند که «الفهرست» ابن‌ندیم که به بیش از ۶۰,۰۰۰ کتاب استناد کرده، عملاً فهرستی از «بیت‌الحکمه» است. به‌منظور ایجاد امکان دسترسی آسان عموم به کتاب‌ها و برخورداری از امکانات مناسب جهت مطالعه و نسخه‌برداری از آثار خطی، اهمیت فراوانی به طرح، نقشه و معماری کتابخانه‌ها داده می‌شد. اکثر این کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های شیراز، قاهره، قریطه در ساختمان‌های طراحی‌شده ویژه‌ای قرار داشتند که دارای اتاق‌های

متعددی جهت انجام امور مختلف بود. برای نمونه، سالن‌هایی با قفسه‌هایی که در آنها کتاب نگهداری می‌شد، اتاق‌هایی که بازدیدکنندگان می‌توانستند در آنجا بنشینند و به مطالعه بپردازند و اتاق‌هایی که برای سخنرانی‌ها و مناظرات عمومی و در بعضی موارد اتاق‌هایی جهت سرگرمی‌های موسیقی. تمامی اتاق‌ها با فرش و حصیرهای متعددی پوشیده شده بود که خواننده به راحتی می‌توانست بر روی آنها بنشیند. پرده‌های ضخیم دمای اتاق‌ها را در سطحی مطلوب نگه می‌داشت و فضایی مطبوع را به وجود می‌آورد. توصیف یاقوت [حموی] مورخ از کتابخانه‌ی عضدالدوله شیراز، نمای کلی طرح‌های این نهادها را مشخص می‌سازد:

کتابخانه شامل اتاق گنبدی‌شکل بزرگی بود که اتاق‌های متعددی در اطراف آن وجود داشت. سلطان در موازات اتاق بزرگ، اتاق‌های متعددی ساخته بود که ارتفاع چارچوب آنها به اندازه قامت انسان و عرض آن ۲/۷۰ سانتیمتر بود و با چوب تزئین شده قفسه‌هایی از بالا به پایین، ساخته شده بود. کتاب‌ها در قفسه‌ها مرتب می‌شوند و برای هر رشته از علوم چوب‌بست‌های مجزایی وجود داشت. همچنین فهرست‌هایی داشت که عناوین تمامی کتب موجود در آنها وارد شده بود.

کتابخانه‌های بزرگتر همچون بیت‌الحکمه بغداد اتاق‌های مجزایی برای نسّاخان و صحافان و کتابداران داشتند. س.م. امام‌الدین در بررسی جامع خود تحت عنوان «برخی از کتابخانه‌های بزرگ اسلامی جهان» خاطر نشان می‌سازد که کتابخانه‌های مشهور اسلامی به گونه‌ای طراحی شده بودند که کل کتابخانه از نقطه‌ای مرکزی قابل رؤیت بود و استفاده‌کنندگان نیز آزادانه به کتاب‌ها دسترسی داشتند. کتاب‌های این کتابخانه‌ها صرفاً بر طبق موضوع مرتب نمی‌شدند، بلکه به طور کامل رده‌بندی می‌شدند. با توسعه کتاب و کتابخانه‌ها و

نیز همپای آن، گسترش علوم، طرح‌های رده‌بندی متعددی پا به عرصه وجود گذاشتند. در واقع شیفتگی واقعی محققان اسلامی به مفهوم علم، نه تنها آنها را به ارائه هزاران تعریف از علم، بلکه به تقسیمات و طبقه‌بندی‌های متعدد آن رهنمون شد. مشهورترین این رده‌بندی‌ها توسط کندی که خود کتابدار بود، فارابی (متوفی ۳۳۹ هجری)، ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۹ هجری)، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هجری)، رازی (۲۵۰-۳۱۳ هجری)، و ابن‌خلدون (۷۳۳-۸۰۶ هجری) ابداع شد. کتابداران این کتابخانه‌ها از معیارهای استثنایی و بالایی، فراخور اینچنین مؤسسات برخوردار بودند. «الفهرست» ابن‌ندیم از سه نفر که به‌عنوان کتابدار در یک دوره یا دوره‌های متفاوت در بیت‌الحکمه خدمت می‌کردند یاد می‌کند؛ همه آنها مؤلفانی بنام بودند و آثار یونانی و فارسی را ترجمه می‌کردند. کتابخانه‌ای در نیشابور توسط المرتضی اداره می‌شد. او فردی عالم بود و نقش به‌سزایی در محافل علمی داشت. دارالعلم قاهره را عبدالعزیز - که به مهارت در فقه شهرت داشت - اداره می‌کرد. حرفه کتابداری و جبهه‌ای عالی و نیز حقوق نسبتاً خوبی داشت. ابن‌ندیم در سراسر «الفهرست» نشانه‌های بارز ابراز حسادت دیگران را نسبت به کتابداران «بیت‌الحکمه»، به‌دلیل پایگاه رفیع آنها در جامعه و نیز مراتب علم‌شان بیان می‌دارد. غیر از کتابخانه‌های مراکز حکومتی، کتابخانه‌های عمومی متعددی وجود داشت. در شهری چون مرو، یاقوت سیاح و جغرافیدان دوازده کتابخانه یافت. او در سه سال اقامتش در آن شهر، قسمت اعظم مطالبی را که برای واژه‌نامه جغرافیایی خود نیاز داشت، جمع‌آوری کرد. در آن دوره به امانت کتاب توجه زیادی نشان داده می‌شد، به‌طوری که یاقوت یک‌بار دو‌بار کتاب را نزد خود به امانت داشت.

بغداد، دمشق، قاهره، قرطبه، فاس، اصفهان، لاهور، دهلی، سمرقند و شهرهای بزرگ و کوچک دیگر دارای چندین کتابخانه عمومی بودند. اکثر این کتابخانه‌ها اعانات دولتی دریافت می‌داشتند؛ برخی از آنها وقف‌هایی را از کسانی که خواهان پیشبرد دانش بودند دریافت می‌کردند. مقدسی جغرافی‌دان می‌گوید در طی قرن چهارم هجری/دهم میلادی بازدیدکنندگان کتابخانه‌های مراکز حکومتی بصره و رامهرمز برای انجام کارهایشان کمک‌های مالی دریافت می‌کردند. علاوه بر این، کتابخانه بصره استادی دائم داشت که هر کس می‌توانست زیر نظر او، به مطالعه و تحصیل افکار و عقاید معتزله بپردازد.

گذشته از کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های اختصاصی نیز جهت توسعه و تکامل حوزه‌های مختلف ادبیات و علوم تأسیس شد. پس از این دوره است که ما با مجموعه‌های کتب پزشکی بیمارستان‌ها، آثار ریاضی، نجوم و ستاره‌شناسی رصدخانه‌ها، نوشته‌های دینی و حقوقی مساجد و انجمن‌های خیریه و مجموعه‌های غنی و متنوع بسیاری از مدارس بزرگ روبه‌رو می‌شویم. بدینسان، تقریباً هر نهاد اجتماعی، فرهنگی و علمی‌ای دارای کتابخانه‌ای غنی بود.

بی‌اغراق می‌توان گفت علاوه بر کتابخانه‌های مراکز حکومتی، کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های اختصاصی، هزاران مجموعه شخصی وجود داشت. در دوره حکومت عباسیان، مجموعه شخصی یحیی بن خالد برمکی در بغداد به‌عنوان غنی‌ترین مجموعه شخصی شناخته شد. از هر کتاب سه نسخه در این کتابخانه وجود داشت و نیز اکثر کتاب‌های کمیاب بیت‌الحکمه را شامل می‌شد. در طول قرن پنجم هجری/یازدهم میلادی کتابخانه محمودالدوله ابن‌فاتق، گردآورنده

و نویسنده بزرگ، شهرت یافت. زیرا او تمام عمرش را صرف خواندن و نوشتن در کتابخانه خود کرد. خانواده‌اش آنچنان از سوی او احساس بی‌توجهی می‌کردند که وقتی ابن‌فائق از دنیا رفت آنها از روی عصبانیت اقدام به دورریختن کتاب‌های او کردند. برای حمل کتاب‌های واقدی، دانشمند برجسته قرن سوم هجری/ نهم میلادی، از بغداد به آن سوی دجله ۱۲۰ شتر و ۶۰۰ صندوقچه لازم بود. گردآورندگان کتب به تأسیس کتابخانه و دعوت محققان جهت استفاده از آن افتخار می‌کردند؛ در واقع این امر سهم مهم و متداول آن دوره بود. مکاری مورخ، داستانی از حضرمی نقل می‌کند که می‌گوید:

یک بار برای مدتی در قرطبه اقامت داشتم. هر روز در بازار کتاب حضور پیدا می‌کردم به امید اینکه اثری خاص را که مشتاق یافتن آن بودم ببینم. مدت‌ها بود که این کار را انجام می‌دادم، تا اینکه روزی بر حسب اتفاق چیزی را که به دنبالش بودم یافتم: نسخه‌ای زیبا که با ظرافت طبع و حسن سلیقه نوشته شده و دارای تفسیری جالب بود. بی‌درنگ در مزایده آن شرکت کردم و افزایش قیمت مزایده را ادامه دادم، اگرچه قیمت بسیار بالاتر از ارزش کتاب بود، ولی از بخت بد من فروشنده از سوی شرکت‌کنندگان در مزایده دائماً قیمتی بالاتر را پیشنهاد می‌کرد. متعجب از این وضعیت به سوی فروشنده رفتم و از او خواستم شخصی را که برای کتاب قیمت بسیار بالاتری از من پیشنهاد کرده نشان دهد. وقتی که او مردی صاحب‌مقام را به من نشان داد، در حین نزدیک شدن به او گفتم: ای دانشمند! خداوند ترا مراتب عالی عنایت کناد. اگر خواهان این کتاب هستی من از آن چشم می‌پوشم، چون در حین پیشنهادات ما، قیمت کتاب از ارزش واقعی آن بالاتر رفته است. او جواب داد: مضامین این کتاب‌ها را نه می‌دانم و نه تشخیص می‌دهم که چیست. ولی کتابخانه‌ای تأسیس کرده‌ام و قصد دارم آن را- هر چقدر هم هزینه بردارد- تبدیل به یکی از باارزش‌ترین چیزهای شهر خود کنم. در کتابخانه‌ام جایی خالی وجود



دارد که این کتاب می‌تواند آن را پر کند. چون این کتاب با ظرافت نوشته شده و با حسن سلیقه صحافی شده است، از آن لذت می‌برم و برایم اهمیت ندارد که چقدر می‌ارزد، چون خداوند ثروت زیادی به من ارزانی داشته است.

بسیاری از صاحبان مجموعه‌های شخصی به محققان بازدیدکننده کمک‌های مالی می‌کردند و بسیاری از کتابخانه‌ها توسط صاحبان آنان وقف می‌شدند. علی بن یحیی منجم، شخصاً پذیرای بازدیدکنندگانی بود که برای مطالعه به کتابخانه‌اش - که آن را خزانه‌الحکمه می‌نامید - می‌آمدند و برای آنها غذا و محل سکونت فراهم می‌کرد. طبق گفته مقدسی:

در دارالعلم جعفر بن محمد موصلی، کتاب‌ها برای جویندگان علم وقف شده بودند. در دسترسی به کتابخانه برای هیچکس ممانعتی وجود نداشت و اگر غریبه‌ای در جستجوی علم و دانش به آنجا می‌آمد و از لحاظ مالی در مضیقه قرار می‌گرفت، موصلی به او پول و کاغذ می‌داد. در آنجا کتاب‌ها بدون استثنا برای استفاده جویندگان علم وقف شده بود و جویندگان از لحاظ مالی بر اساس شیوه فردی خاص مساعدت می‌شدند. اینچنین دل‌بستگی به کتاب‌ها و کتابخانه‌ها بود که مسلمانان به گفته خانم روت استلهورن مکنسن «توانستند به پیشبرد کتابخانه به‌عنوان نهادی با گستره بی‌سابقه اقدام کنند و تا کنون کتابخانه‌ای به عظمت کتابخانه‌های سرزمین‌های اسلامی که به‌دقت نگهداری می‌شدند و به‌طور گسترده مورد حمایت قرار می‌گرفتند وجود نداشته است».

### تجارت و بازارهای کتاب

چنان شگفت‌انگیز نمی‌نماید که اینچنین علاقه شدید به کتاب‌ها، منجر به تجارت پیشرفته کتاب شود. کشورها این تجارت را تقویت می‌کردند. کتاب‌ها نیز چون جواهرات زینتی عروسان، سلاح‌ها و

اسب‌هایی که در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند، در سراسر جهان اسلام از مالیات معاف بودند. در نتیجه، داد و ستد کتاب با کالاهای اساسی در کشورها رو به فزونی گذارد. کارگزاران حکام، گردآورندگان شخصی، کتابفروشان و همچنین محققان در جستجوی نسخ خطی با ارزش به کشورهای مختلف و سرزمین‌های غیرمسلمان سفر می‌کردند. تقریباً در مجاورت هر مسجد، غرفه کتابفروشی کوچکی وجود داشت. در این زمینه خدابخش معتقد است که کتابفروشی‌های عصر طلایی اسلام کوچک بوده‌اند، ولی این مطلب نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا تنها کتابفروشی ابن‌ندیم که کتب موجود در فهرست مفصل او، «الفهرست»، را در بر داشت، چندین برابر بزرگ‌تر از کتابفروشی فویل لندن<sup>۱</sup> که به‌عنوان بزرگ‌ترین کتابفروشی در جهان توصیف می‌شود، بوده است. بنابراین هنگامی که یعقوبی مورخ می‌گوید متجاوز از یکصد کتابفروشی تنها در بغداد زمان او وجود داشته، او از کتابفروشی‌ها با اندازه‌های مختلف سخن می‌گوید. تقریباً در تمام شهرهای مسلمان دوره اولیه ظهور اسلام، بخش‌هایی در بازار مرزی وجود داشت که به تاجران کتاب اختصاص داشت و به «سوق الوراقان» معروف بود. در این میان بازارهای کتاب بغداد، قاهره، قرطبه، اشبیلیه و سمرقند بسیار معروف بودند. در این دوره علاوه بر کتابفروشی‌ها، نهادهای دیگری نظیر اجاره وجود داشت که کمتر مورد توجه مورخان اسلامی قرار گرفته است. اجاره به‌عنوان اصطلاحی حقوقی بر اعطاء اجازه جهت استفاده از چیزی که متعلق به دیگری است دلالت دارد. [این اصطلاح] در عرف کتابفروشی‌ها، اشاره به کتابی بود که نه فقط برای مطالعه، بلکه به‌منظور

---

1. Foyles of London

نسخه‌برداری مجاز اجاره داده می‌شد. نهادهای اجاره تا پایان قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی به صورت جلوه‌های عمومی در مراکز شهری مسلمانان درآمدند. این نهادها صرفاً کتابخانه‌های امانی تجاری نبودند، بلکه به عنوان مراکزی جهت توزیع کتاب انجام وظیفه می‌کردند. اسحاق بن نصیر العبّادی زمانی که جوان و مستمند بود هر روز بعد از ظهر به کتابفروشی خاصی در بغداد می‌رفت و کتابی را جهت نسخه‌برداری به امانت می‌گرفت. هرگاه کتابفروش از او می‌خواست که مبلغ اجاره را بپردازد، اسحاق به او می‌گفت: صبور باش تا شغلی پرمنفعت به دست آورم. ما نمی‌دانیم که آیا اسحاق به مالک اجاره را پرداخت یا نه اما او پس از گذشت چند سال صاحب کتابخانه‌ای برجسته شد.

با وجود کتابخانه‌های سلطنتی باشکوه، کتابخانه‌های متعدد عمومی و نیمه‌عمومی وقف‌شده عظیم، نهادهای اجاره و تجارت پیشرفته کتاب، نیازها و خواسته‌های محققان مسلمان برطرف نمی‌شد. [ابوریحان] بیرونی مدت چهل سال در جستجوی نسخه‌ای از کتاب «سفر الاسرار» مانی بود. ابن رشد قصد داشت برای حل برخی از مسائل فلسفی، برخی از آثار معتزله را مورد بررسی قرار دهد، ولی موفق نشد. طبق روایتی از توحیدی، ابوبکر الاحصید در جستجوی نسخه‌ای از کتاب «فرق بین النبی و المتنبی» جاحظ بود، ولی با وجود سال‌ها جستجو موفق به یافتن آن نشد. پس برای زیارت عازم مکه شد. وی طی اقامتش در مکه یک جارچی اجیر کرد تا در عرفات برای نسخه‌ای از آن کتاب جار بزند. اگرچه اجتماع مذهبی عرفات بزرگ‌ترین گردهمایی مسلمانان سراسر جهان بود، اما ابوبکر موفق به یافتن کتاب مورد نظرش نشد.

تحلیل مختصر ما از تاریخ کتابداری اسلامی و تجارت کتاب نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت اشاعه اطلاعات به‌طور طبیعی در تمدن اسلامی دوران اولیه ظهور آن تکامل یافت. با نگاهی اجمالی به این جریان می‌توان گفت بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید که در کمتر از یکصد سال پس از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، کتاب جایگاه خود را به‌عنوان ابزاری اساسی و سهل‌الوصول جهت اشاعه دانش و اطلاعات تثبیت کرد. با وجود این، هنگامی که موضوع از دیدگاه مفاهیمی چون علم، وقف، و عبادت - که مسلمانان صدر اسلام آنها را با تمامی سطوح زندگی خود عجین کرده بودند - مورد بررسی قرار می‌گیرد، گسترش فوق‌العاده کتاب و کتابداران در صدر اسلام آنچنان شگفت‌انگیز نمی‌نماید. در واقع زمانی که چارچوب عقیدتی اسلام در تمامی شئون جامعه نمود یابد، این فرایند در تشکیل زیرساختی جهت اشاعه اطلاعات در هر جامعه‌ای - حتی اگر با مشکلات جدی روبه‌رو باشد - مؤثر خواهد بود. مفاهیم جاودانه اسلام راهگشای دنیای موجود واقعی هستند نه جامعه خیالی.

در دوران اولیه ظهور اسلام، در جامعه‌ای که با مشکلات جدی‌ای چون فرقه‌گرایی - که فرقی متعدد دائماً با یکدیگر در جنگ بودند و کتابخانه‌های بسیاری عملاً به‌منظور ترویج عقاید خاص فرقه‌ای تأسیس می‌شد - و نیز انشعاب‌های سیاسی و تفرقه روبه‌رو بود، مفاهیم اسلامی دانش‌گستری و وقف تبلور یافت. اما علیرغم این کشمکش‌ها، چارچوب عقیدتی اسلام، آنچنان زیرساخت اطلاعاتی‌ای را پایه‌گذاری کرد که تمدن اسلام را به نقطه اوج سوق داد.

امت کنونی اسلام با مسائلی دشوارتر از مشکلات مسلمانان صدر اسلام روبه‌روست؛ مسائلی چون استعمار، تشعب فکری، عقیده

به چاره‌ناپذیری مشکلات و وجود مصائب اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی. در اینچنین شرایطی جریان عینیت‌بخشیدن مفاهیم جاودانه اسلام بیش از پیش ضروری می‌نماید. در واقع برقراری مفاهیم اسلامی بود که مسلمانان صدر اسلام را از نزاع‌ها و جهالت‌ها نجات داد. از آنجا که این مفاهیم عقیدتی اعتباری جاودانه و جهانی یافته است، تنها در نتیجه تحقق یافتن این مفاهیم است که امت امروز اسلام قادر است از مشکلات و مصائب آشکاری که پیش رو دارد رهایی یابد. و تنها با نشأت گرفتن مستمر سیاست اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی از چارچوب عقیدتی اسلام است که قادرند به ایجاد خلاقیت و توانایی فکری جهت حل مشکلات امت کنونی اسلام اقدام نمایند. بدین ترتیب اتخاذ سیاست‌هایی بر مبنای مفاهیمی چون توحید، عدل، علم، خلافت، امت، حکمت، وقف و استصلاح، که نیازهای اطلاعاتی عصر حاضر را برآورده می‌سازد و زمینه به‌کارگیری تکنولوژی اطلاعاتی نوین را- که متکی بر کامپیوترها و ماهواره‌هاست و موجب پیشبرد سلامت و هماهنگی اجتماعی است- فراهم می‌آورد، زمینه‌ساز تکامل میراث اسلامی است.

